

مردم‌نگاری مراسم عزاداری در منطقه نافچ

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۰۴

کد مقاله: ۹۱۶۵۳

افسانه قانی^{۱*}، مهسا کاظمی نافچی^۲

چکیده

عزاداری یا سوگواری به مراسم آیینی گفته می‌شود که به یادبود فرد درگذشته و به منظور صبر به بازماندگان برگزار می‌گردد. مراسم سوگواری در شهر نافچ نیز با وجوه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با سایر مناطق و با تکیه بر باورهای برگزار می‌شود؛ که مقاله حاضر به روش توصیفی درصد پاسخ به این مسئله است که چه اعتقاداتی در پس مراسم عزاداری منطقه نافچ وجود دارد؟ لذا طبق تحقیقات میدانی و مصاحبه با مطلعین کلیدی مراحل برپایی این رسم به ترتیب معرفی و طبقه‌بندی شد. یافته جدید نشان داد که اعتقادات مذهبی و باورهای اجداد و نیاکان در برپایی مجالس ترحیم در ارجحیت بوده و هدف از برپایی این مراسم علاوه بر اینکه باعث شادی روح فرد متوفی می‌شود، نوعی هراس و بیم در دل انسان ایجاد می‌کند که زندگی آن تحت تأثیر آن بیم قرار گرفته و سبب می‌شود که فرد تصمیم به ایجاد تغییراتی مثبت در زندگی خود گیرد. در فرجام این نتیجه حاصل شد که اهالی این منطقه براین باورند که برپایی هر یک از این مجالس از طرفی هم به دلیل تخلیه ناراحتی و غم و اندوه است و از طرفی دیگر خاک‌سپاری و بزرگداشت فرد متوفی به نشانه علاقه و احترام به آن فرد و به‌نوعی فرآیند اجتماعی بوده و باعث همدردی افراد دیگر با شخص سوگوار می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: باورها و اعتقادات، مردم‌نگاری، آداب و رسوم، سوگواری و عزاداری، نافچ

۱- استادیار دانشکده هنر و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، Ghani@sku.ac.ir
۲- دانش‌آموخته کارشناسی فرش، دانشکده هنر و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد

شهر نافع در شمال غربی استان چهارمحال و بختیاری بافاصله حدود ۱۹ کیلومتری از شهرکرد مرکز استان قرار گرفته است (شکل ۱). این منطقه دارای مردمانی متمدن است که پس از گذشت سال‌ها نیز از آداب و رسوم اجتماعی کهن خود پیروی می‌کنند که پس از گذشت سالیان دراز بکر و دست‌نخورده باقی‌مانده‌اند. یکی از این آداب اجتماعی برپایی مراسم عزاداری برای فردمتوفی است. مراسم خاک‌سپاری و آیین‌های سوگواری در این منطقه انعکاسی از باورهای افراد هست و شاید بتوان این آیین را یکی از مهم‌ترین نمادهای هویت اجتماعی منطقه به شمار می‌آورد. یکی از دلایلی که سبب شده تا این آیین‌ها یک اصل اجتماعی در نظر گرفته شده باشند؛ را می‌توان نمادها و شعاری که در پس مراسم خاک‌سپاری، سوم و هفتمین روز و ... نهفته است، دانست. مقاله حاضر تنها به دنبال مرحله گذاری مراسم ترحیم نیست بلکه هدف اصلی آن شناسایی اعتقادات مذهبی و باورهای بومی افراد در برپایی مراحل مختلف عزاداری فرد متوفی است تا از این رو بتواند دستاوردهای کهن و فرهنگ شفاهی این منطقه، مرتبط با آیین ذکر شده را به صورت مکتوب جهت حفظ قسمتی از فرهنگ بومی به ثبت رساند. به عبارتی دیگر پرسش اصلی این پژوهش این است که چه اعتقاداتی در پس مراسم عزاداری منطقه نافع وجود دارد؟ از این رو نویسنده با تحقیقات میدانی و مطالعه پژوهش‌های پیشین در رابطه با این مجالس، به جمع‌آوری اطلاعاتی از چگونگی برپایی مراسم ترحیم و سوگواری پرداخته تا از این طریق بتوان معنای مفهوم نهفته در پس هر یک از رفتار و اعمال‌هایی که در هر کدام از مجالس انجام می‌گردد؛ را عنوان کرد. جامعه آماری مقاله مذکور را جمعی از افراد صاحب تجربه و بزرگان منطقه نافع تشکیل می‌دهد که نگارندگان با حضور در میدان تحقیق و شرکت در برخی مراسم عزاداری شان به نتایجی دست پیدا کردند که: برپایی مراسم علاوه بر زدودن غم و اندوه و ابراز همدردی با بازماندگان نوعی فرآیند اجتماعی- بومی بوده که این امر یادگاری از گذشتگان و اجداد می‌باشد و تقید به این امر برای اهالی منطقه جزء وظایف برپایی مراسم محسوب می‌شود.



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی نافع (مأخذ: <http://google.com>)

۲- چارچوب نظری

گردآوری داده‌های این مقاله کیفی به شیوه توصیفی، روش مردم نگاری و کتابخانه‌ای انجام گرفته است. مردم نگاری از نظر روش مجموعه شیوه‌های گردآوری اطلاعات برای توصیف یک فعالیت خاص اجتماعی و یا نوع زندگی دسته‌ای از افراد یک جامعه است (منادی، ۱۳۸۶). «مردم‌نگاری به مجموعه‌ی روش‌های گردآوری که امروزه هم مطرح‌اند، گفته می‌شود؛ یعنی نوعی نزدیکی و وارد شدن به موضوع و حتی یکی شدن با آن. این روش تنها جزء روش‌های توصیفی نیست، مردم‌نگاری نوعی تحلیل است. وقتی ما دست به توصیف دقیق چیزی می‌زنیم، خود این توصیف یک تحلیل است» (فکوهی، ۱۳۸۵: ۴۸۰). این نوع مردم نگاری می‌تواند مجموعه ابزارها یا روش‌هایی مانند مشاهده، مصاحبه، عکس‌برداری و فیلم‌برداری باشد که مردم نگار مدتی را با افراد خاص جامعه‌ای یا گروهی مورد مطالعه زندگی کرده، سپس داده‌های جمع‌آوری شده (از طریق تکنیک‌های عنوان‌شده) را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

برای مردم نگاران کار میدانی آن مرحله‌ای از گردآوری داده‌هاست که مردم نگار در محل، میدان و خارج از محل کار یا کتابخانه به تحقیق می‌پردازد و می‌تواند از روش‌هایی همچون: «مشاهده مشارکتی، مصاحبه‌های فردی و گروهی رو در رو، مصاحبه‌های ساختار نیافته (شامل مصاحبه تاریخ زندگی و مصاحبه روایتی)، نقشه‌ها و نمودارها، جمع‌آوری مستندات پرسش و پاسخ، عکاسی، نظرسنجی یا جمع‌آوری و گرفتن نوارهای صوتی و فیلم» (Murchison, 2010: 41) و (O'Reilly, 2005: 39). بهره برد و آنچه مهم است رابطه مستقیم و بی‌وقفه‌ی پژوهشگر با مردمان مورد مطالعه است. در بستر زندگی روزانه‌ی آن‌ها وارد می‌شود، اتفاقات را می‌بیند، گفته‌ها را می‌شنود، می‌پرسد و برایش مهم است که بدانند مردم مورد مطالعه چگونه درباره‌ی

اعمالشان می‌اندیشند، نگاهشان به دنیا و ارتباطشان با زندگی چگونه است؟ ورای این، هر فرد مردم نگار در جریان کار انتخاب خواهد کرد که تا چه اندازه می‌خواهد به مسائل تاریخی یا عوامل دیگر دخیل در موضوع کارش بپردازد تا چه حد نگاه نقادانه داشته باشد و خود را درگیر سیاست‌های فرهنگی کند یا تا چه اندازه از روش‌هایی استفاده کند که ورای برخورد مستقیم و بی‌وقفه، نگاه کردن، گوش سپردن و سؤال کردن هستند (www.Anthropology.ir).

با توجه به توضیحات فوق در این مقاله از مردم نگاری به مثابه روش استفاده شد تا نویسندگان در یک رابطه مستقیم و بی‌واسطه، مراسم عزاداری در شهر نافج را به طور زنده و دست اول مشاهده کنند، در زندگی جامعه مورد مطالعه خود مشارکت جویند، با کنشگران (بومیان) وارد تعامل شوند و از اسناد فرهنگی بهره جویند. در مجموع با توجه به روش مردم نگاری می‌توان گفت: موضوع مقاله حاضر مانند زبان بومی است که بومیان آن را بهتر می‌فهمند ولی به طور معمول توضیح معنای این زبان به طور مستقیم به وسیله آنان، کمتر امکان پذیر است. تنها با پژوهش و حضور در میدان و کشف ارتباط سایر داده‌های فرهنگی (مادی و غیر مادی) و در نظر گرفتن وجوه مختلف می‌توان به فهم بهتر ولی نه کامل از این زبان بومی دست یافت؛ چنان که پس از این مراحل مشخص خواهد شد که بومیان منطقه نافج با چه باورهایی مراسم عزاداری را برگزار می‌کنند که در ادامه به این مهم پرداخته می‌شود.

۳- پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام گرفته در مورد این آیین، عموماً به صورت کلی با برپایی این آیین در کل کشور متمرکز بوده است و در کتبی که مختص به آداب و رسوم استان‌های مختلف می‌باشد به طور اختصار در رابطه با این مراسم سخن به میان آمده است؛ اما در مورد آیین‌های ترحیم کمتر آثاری را می‌توان یافت که به صورت مردم نگارانه ای به توصیف این مجالس در منطقه نافج پرداخته باشد. در ادامه به مرور منابعی که با عنوان مورد نظر مقاله ارتباط غیر مستقیمی دارند، می‌پردازیم.

کرباسیان (۱۳۸۶). در کتاب «در خرابات مغان» به توصیف سوگواری و مراسم ختم می‌پردازد بدین گونه که این آیین را باور و رفتاری اجتماعی که یادگاری از آیین زرتشت و بازمانده‌ای از باورهای مندایی و خاطره‌ای از مراسم سوگواری سکاهاست، می‌داند. - بلوکباشی (۱۳۴۴). در مقاله آیین به خاک سپردن مرده و سوگواری آن نحوه‌ی تدفین و خاک‌سپاری متوفی از جمله شستشو و کفن‌پوش کردن و مراسمات سوگواری را توصیف کرده است. _ هاشمی (۱۳۹۳). در آداب مجالس ترحیم فرهنگ مردم به بیان اصطلاحات و کلمات مرتبط با عزاداری در اقوام مختلف کشور پرداخته و همچنین هریک از مجالس ختم متوفی را تشریح می‌کند. بیشتر منابع ذکر شده این آیین را در کل کشور از گذشته تا به حال بررسی کرده‌اند و توجه آن‌ها در اصل به نحوه‌ی برپایی مراسمات یاد شده بوده است. مزیت پژوهش حاضر بر پژوهش‌های پیشین این است که فقط به دنبال چگونگی برپایی خاک‌سپاری و سوگواری در نافج نیست بلکه در کنار توصیف این آیین به روشن کردن اعتقادات نهفته در پس آن می‌پردازد. ما نیز میدانیم که این مراسم، آدابی اجتماعی می‌باشد که بر خواسته از اعتقادات مذهبی و باور ها است و هدف از برپایی آن‌ها رساندن مفاهیمی دیگر به جامعه است که باید این باورها شناخته شود تا بتوان به خوبی آن‌ها را حفظ و به نسل‌های دیگر نیز انتقال داد.

۴- مراسم سوگواری در نافج

سوگواری از روز به خاک‌سپاری متوفی آغاز می‌شود و تا یک سال و در بعضی اقوام نظیر بختیاری‌ها اگر فرد متوفی مرد جوان باشد حتی بیشتر از یک سال هم ادامه پیدا می‌کند. در این مدت اقوام نزدیک از شرکت در مراسم‌های عروسی و سایر جشن‌ها پرهیز می‌کنند. مراسمی که در طی یک سال مرده برگزار می‌شود، شامل: خاک‌سپاری، مزدگانی، سومین روز، هفتمین روز و سایر مراسماتی که در جدول ۱ ذکر شده است. در این منطقه در هریک از مراسمات ذکر شده نیز نوحه‌سرایی زنان یا سوگ سرودهایی برای فرد درگذشته زمزمه می‌شود. امروزه در شهرها، زمان و مکان مجالس ختم را با اعلامیه‌هایی که به در و دیوار می‌چسبانند، به اطلاع مردم می‌رسانند. این در حالی است که در گذشته افراد از طرف اقوام و آشنایان مطلع می‌شدند که شخصی در بستر مرگ است. چند تن از بزرگان فامیل به خانه‌ی آن فرد و یا شخصی که به طور اتفاقی فوت کرده است جمع می‌شدند و این خبر را به طور شفاهی اعلام می‌کردند، پس از آن هم برای اینکه هم‌محله‌ای‌ها و هم روستایی‌ها مطلع شوند، شخصی با بلندگو اعلام می‌کرد: که "فلان فرد به رحمت خدا رفته است".

حضور خویشاوندان، دوستان نزدیک و همسایه‌ها در این مجالس در کنار اعضای خانواده متوفی، نوعی دل‌داری دادن به آن‌ها و عمومی‌ترین و رایج‌ترین نوع شیوه همدردی است که هم اعضای خانواده متوفی را تنها نمی‌گذارند و هم در تدارک مراسمات اصلی (که در واقع سومین و هفتمین روز) کمک می‌کنند. بازماندگان متوفی تا پس از چهلمین روز سر و صورتشان را اصلاح نمی‌کنند و حتی تا بعد از مراسم هفته برای نشان دادن اوج ناراحتی استحمام هم نمی‌کردند، در هیچ مراسم جشن و سروری شرکت

نمی‌کنند و خودنیز تا یک سال از برپا کردن مجالس بزم و شادی می‌پرهیزند. بعد از گذشت چند روز، صاحبان عزا به خانه اقوام می‌رفتند و به اصطلاح محلی عذر برمی‌داشتند؛ یعنی اگر افراد به خاطر فوت شخص مانع از انجام کاری می‌شدند، صاحبان عزا از آن‌ها می‌خواستند که به انجام آن کار بپردازند و یا سرکار خود بروند. امروزه در بسیاری از مناطق به‌خصوص مناطق شهری و بزرگ، این رسم و رسومات بسیار کمرنگ شده است، اما در منطقه نافج همواره بسیاری از این آیین‌ها و باورها پابرجاست. با این حال دگرگونی‌ها و پدیده‌های جدیدی که باعث تغییر بعضی سنت‌های اجتماعی می‌شود، در فراموش شدن و کنار گذاشتن این مراسم نیز بی‌تأثیر نبوده است. با وجود تغییرات چه بزرگ و چه اندک، افراد در همه جوامع مختلف بسته به موقعیت جغرافیایی و یا شغلی توفیق شرف یابی به مجلس رادارند و حتی با ذکر یک فاتحه خود را در این غم شریک می‌دانند. در این منطقه برای متوفی مجالس ترحیم متعددی برگزار می‌شوند که در جدول زیر هریک از این مراسم را به اختصار توضیح داده و شرح آن‌ها در ادامه آمده است.

جدول ۱- روزهای عزاداری نافج (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

سال روز	چهلمین روز	عید گرفتن برای متوفی	شب‌های جمعه	هفتمین روز	سومین روز	مزدگانی	خاک‌سپاری
یک سال پس از مرگ متوفی که به خاطر داشتن فرزند حدود ۱۰ روز جلو می‌افتد. چند روز قبل از برگزاری مراسم سال بروی مزار متوفی سنگ‌کار می‌گذارند.	در پنجمین پنج‌شنبه گذشته پس از مرگ فرد برپا می‌شود. معمولاً چهل روز کامل نمی‌باشد و تقریباً ۳۵ روز پس از خاک‌سپاری است.	اولین عید مذهبی و البته عید نوروز پس از چهلیم متوفی که اقوام بر سر مزار متوفی جمع می‌شدند و پس از پذیرایی برای صرف نهار به خانه متوفی می‌روند.	سه پنج‌شنبه‌ی متوالی پس از خاک‌سپاری است که بعد از ظهرهای هر پنج‌شنبه اقوام بر سر مزار متوفی جمع می‌گردند شب جمعه چهارم به دلیل اینکه کمی نسبت به متوفی سرد شوند بر سر مزار نمی‌روند.	اولین پنج‌شنبه پس از خاک‌سپاری است که با دعوت خانواده متوفی از افراد برپا می‌شود.	فردای روز خاک‌سپاری است که از صبح تا ظهر در مسجد یا حسینیه برگزار می‌گردد. این مجلس در فرهنگ مردمان ایران، مهم‌ترین مجلس بزرگداشت متوفی است.	سحرگاه شب اول تدفین متوفی است. اقوام نزدیک بر مزار متوفی هنگام سحر جمع می‌شوند، آتش روشن می‌کنند و بر روی خاک قبر مرده آب می‌پاشند.	اولین روز آغازین مراسم سوگواری است. افراد برای تشیع جنازه به آرامستان می‌روند.

۴-۱- خاک‌سپاری

هنگامی که شخصی فوت می‌کند، اطرافیان برای تسلی خاطر آن شخص و برای برپایی مراسم خاک‌سپاری به خانه صاحبان عزا رفته، پس از اینکه کامل مطلع می‌شوند که فرد فوت کرده است، شخصی که عموماً اعلام‌کننده فوت افراد بود، در بلندگو اعلام می‌کرد که فلان شخص به رحمت خدا رفته است و در فلان ساعت در قبرستان به خاک سپرده می‌شود (البته در گذشته). سپس همه‌ی افراد دسته‌جمعی راهی آرامستان شده و پس از به‌جا آوردن مراسم شست‌وشو، غسل و برپایی نماز میت، مرده را به خاک سپرده و پس از آن راهی خانه صاحبان عزا می‌شوند. پس از خاک‌سپاری خانه فرد متوفی را با پارچه‌های سیاه تزیین می‌کنند. اگر شخص متوفی جوان باشد برای او حجله قاسم (منظور حضرت قاسم) می‌بندند (تصویر ۲) که درون این حجله قاب عکس متوفی، گل، قرآن و برای متوفی مجلس قرائت قرآن بر پا می‌کنند. بازماندگان متوفی مانند مادر، خواهر، همسر و دختر لابه‌لای گریه هایشان به نحو سوزناکی به تعریف خصوصیات نیکوی اخلاقی، رنج‌ها و همچنین آمال و آرزوهای او برای دیگر زنان می‌پردازند و همه را به گریه بازمی‌دارند. گاهی اوقات شدت ناراحتی به قدری است که حین گریه به خودزنی، زدن چنگ به صورت و کشیدن موهای خود نیز می‌پردازند.



شکل ۲- حجله بستن (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

۲-۴- مزدگانی

بعد از خاکسپاری مرده همه اقوام نزدیک در خانه‌ی متوفی جمع و پس از خواندن قرآن و صرف شام، شب را در خانه‌ی متوفی می‌گذرانند. صبح قبل از اذان (حدود یک ساعت) برسر مزار متوفی رفته و با خود فانوس و ظرف آب برده و بر سر مزار آتش روشن می‌کنند، به این خاطر که آتش نماد روشنایی است و گویی این کار به این جهت است که به مرده بگویند او در شب اول قبر و آنچه بر او می‌گذرد تنها نیست و فانوسی که نشانه‌ی روشنایی است و آن را از تاریکی قبر نجات می‌دهند (بخشی، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۷). ظرف آبی را که به همراه خود برده‌اند را به این ترتیب که روزه قبله می‌ایستند و از طرف سر میت دور تا دور قبر را آب ریخته و بقیه آب را به وسط قبر می‌ریزند. همان‌طور که امام صادق (ع) فرموده‌اند: «تا وقتی که خاک‌های قبر بر اثر پاشیدن آب نم داشته باشد، عذاب از میت برداشته می‌شود» (کلینی، ۱۳۹۴: ۲۰۰) که مردم نافج نیز بر این اعتقادند. پس از آن دوباره به خانه صاحب‌عزا بازمی‌گردند و برای انجام سایر مراسمات آماده می‌شوند.

۳-۴- سومین روز

در فرهنگ مردم ایران، مهم‌ترین مجلس بزرگداشت در سومین روز پس از خاکسپاری، در خانه متوفی، مسجد یا تکیه محل برگزار می‌شود؛ اما در فرهنگ مردم نافج این مراسم در فردای روز خاکسپاری از ساعت ۸ صبح الی ۱۲ ظهر برپا می‌شود. برای اینکه افراد را برای شرکت در این مراسم دعوت کنند، یک روز قبل یا در همان مراسم خاکسپاری اعلام می‌کنند که فردا سوم متوفی است؛ اما امروزه چنانچه اگر در مراسم خاکسپاری هم اعلام نشود با چاپ آگهی ترحیم، افراد باخبر می‌شوند.

در این روز که تقریباً یکی از شلوغ‌ترین روزهای مراسم محسوب می‌شود، افراد از راه‌های دور و نزدیک برای تسلی حال بازماندگان در جلسه حضوری می‌یابند. ممکن است افراد به صورت دسته‌جمعی و یا انفرادی به این مراسم بیایند. اشخاص نزدیک به شخص متوفی در بالای مجلس جای دارند و هرچه دورتر، حضور خود را به مدت چند دقیقه عزای سرپایی اعلام می‌کنند و پس از قرائت فاتحه و طلب آموزش برای متوفی و آرزوی سلامتی کردن برای صاحبان عزا، صحنه را ترک می‌کنند. در این روز صاحبان عزا از حاضرین با دادن ناهار پذیرایی می‌کنند. از دیگر اعتقادات مهم در این برهه زمانی یعنی بعد از انجام مراسم سوم این است که چند دست از لباس نو شخص فوت شده را به فردی نیازمند می‌دهند که آن شخص برای متوفی طلب آموزش و مغفرت می‌کند و فاتحه‌ای که می‌خواند سبب می‌شود فرشتگان یک لباس بهشتی برای میت به هدیه ببرند. بعد از آن یک دست از لباس متوفی را که همیشه به همراه داشته به علاوه کیف و کفش، در بیابانی نزدیک به گورستان خاک می‌کنند، زیرا معتقدند که متوفی برای برداشتن لباس‌های خود به آنجا می‌آید و لباس‌هایش را با خود می‌برد. فاصله‌ی بین سوم و هفته، اقوام نزدیک مدام به صاحبان عزا سر می‌زنند، آنان را لحظه‌ای تنها نمی‌گذارند و به صورت دسته‌جمعی برای احترام گذاشتن به صاحبان عزا و قرائت فاتحه به خانه آن‌ها رفت و آمد می‌کنند.

۴-۴- هفتمین روز

در فرهنگ مردم ایران، مراسم هفته را در بعد از ظهر ششمین روزه خاک سپردن متوفی برپا می‌کنند؛ اما در فرهنگ مردم نافج این مراسم در اولین پنج‌شنبه‌ای که پس از خاکسپاری و سوم است، برگزار می‌شود. برای اینکه مردم در این مراسم شرکت کنند، افراد جوان فامیل متوفی به در خانه‌ی افراد می‌رفتند و آن‌ها را برای شرکت در این مراسم، دعوت می‌کردند، اما امروزه دعوت این

مراسم با چاپ آگهی ترحیم برای افرادی که درجه دورتری با متوفی دارند و تلفن برای اقوام نزدیکتر صورت می‌گیرد. این مراسم مانند مراسم سوم از صبح تا ظهر آغاز می‌شود و پس از صرف ناهار و نماز ظهر، مجلس دوباره تا عصر ادامه می‌یابد. بعد از ظهر هفته قبل از اینکه همه افراد به مزار متوفی بروند، جمعی از خانم‌های جوان فامیل وسایل پذیرایی را برسر مزار می‌چینند و بعد از اتمام مراسم دوباره وسایل را جمع می‌کنند. افراد برای نشان دادن اینکه چه قدر در این غم شریک هستند، تاج گل‌های بزرگی را با خود می‌آورند و روی آن‌ها با خط درشتی اسم و فامیل شرکت‌کننده درج می‌شود. ابتدا خانم‌ها برسر مزار متوفی جمع می‌شوند. مادر، خواهر، همسر و دختر متوفی از دل‌تنگی خود آواهایی را می‌خوانند و بر سر و روی خود می‌زنند، از خاک قبر بر سر خود ریخته و مدام جمله «خاک بر سرم شد» را تکرار می‌کنند. در این حین فردی برای اینکه غم خانواده کمتر شود و با تکیه بر این باور که خاک سرد است، مشت‌های از خاک قبر را حتی به صورت پنهانی در یقه لباس کسانی که شیون می‌کنند می‌ریزد تا مهر آن‌ها نسبت به متوفی کمتر شود. بعد از زنان، مردان به صورت یک دسته عظیم برسر مزار متوفی جمع و فاتحه را به صورت دسته‌جمعی می‌خوانند. در این بین پدر، برادر، همسر و پسر با صدا گریه می‌کنند. بعد از اینکه فاتحه خوانی مردان در اینجا تمام شد، همراه با همان دسته برسر مزار دیگر اموات می‌روند. همچنین اگر فردی دیگر به جمع متوفیان افزوده شود، خانواده صاحب‌عزا به صورت گروهی با چند نفر دیگر از اقوام نزدیک در مراسم عزاداری متوفی جدید شرکت می‌کنند.

۴-۵- شب‌های جمعه

بعد از گذشت شب جمعه اول که همان هفتمین روز بود، پنجشنبه دو هفته بعد از هفته نیز اقوام برسر مزار متوفی جمع می‌شوند. ابتدا همه‌ی افراد در خانه‌ی صاحبان عزا جمع شده و همراه با صاحبان عزا راهی مزار متوفی می‌گردند. مداح برای آن‌ها نوحه سر می‌دهد و غم از دست دادن آن شخص را دوباره در دل‌ها زنده می‌کند. اقوام با برگزاری این شب جمعه‌ها، پس از قرائت فاتحه و قرآن برسر مزار، به خانه صاحبان عزا می‌روند و پس از خواندن سوره انعام و صرف شام، برای شخص درگذشته طلب مغفرت و آمرزش کرده و با خواندن فاتحه‌ای برای او هدیه می‌فرستند. این شب جمعه‌ها با شب جمعه هفتم، به صورت سه بار متوالی انجام می‌گردد. در هفته چهارم شب جمعه برگزار نمی‌شود و برسر مزار متوفی نمی‌روند، به دلیل اینکه مهرشان نسبت به متوفی کمتر و سردتر شود (بخشی، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۷).

۴-۶- چهلمین روز

مراسم چهلم یا چهلمین روز که در پنجمین پنجشنبه گذشته بعد از مرگ متوفی برپا می‌شود. نام‌گذاری این مراسم به صورت عامیانه بوده است، زیرا که چهل روز کامل نیست و تقریباً ۳۵-۳۶ روز می‌باشد. بعد از ظهر این روز نیز اقوام فامیل دورهم جمع و پس از برگزاری عزاداری برسر مزار متوفی رفته و بعد از آن لباس عزای صاحبان عزا را تعویض می‌نمایند.

۴-۷- سال روز

چند روز قبل از اینکه سال متوفی فرارسد، صاحبان عزا بر روی مزار، سنگ‌کار می‌گذارند. مردم این منطقه بر این باورند که برای اینکه خاک گور، خوب فرو نشیند تا وقتی که سنگ می‌اندازند، سنگ پایین نکشد، یک سال زمان می‌خواهد. مراسم گذاشتن سنگ مزار حدود یک الی دو روز طول می‌کشد. در این منطقه یکی از رسوم تعیین روز برگزاری سال این است که اگر متوفی فرزند داشته باشد، تاریخ سالروز او حدود ۱۰ روز جلو بیفتد و بعد از آن مراسم شب سال را برپا می‌کنند. این مراسم مانند شب هفته و شب چهلم است، اما با تفضیلی کمتر برگزار می‌شود. صاحبان عزا با گروهی از بستگان و آشنایان نزدیک خود به مزار متوفی می‌روند، فاتحه می‌خوانند و ضمن سوگواری و دادن شام از این راه موجب آمرزش روح متوفی شان می‌شوند.

۴-۸- مجلس عید گرفتن برای متوفی

با فرارسیدن اولین عید مذهبی (عید فطر، عید غدیر و عید قربان) و عید نوروز بعد از چهلم، مرسوم است که صاحبان عزا، جمعی از بزرگان و اقوام برسر مزار متوفی می‌روند و با انواع شیرینی و شربت از فاتحه دهندگان پذیرایی می‌کنند. همان‌طور که در مقاله آداب و مراسم ترحیم گفته شده است: «مراسم نوعید به معنای عید مبارکی و تمام شدن عزا برای خانواده عزادار بوده است» (هاشمی، ۱۳۹۳: ۹۱).

۴-۹- بازدید پس دادن

در منطقه نافج پس از گذشت مراسم چهلم، صاحبان عزا به خانه کسانی که در مراسم شان شرکت کرده بودند، رفته و از همدردی و حضور آنان تشکر می کنند. گاهی اوقات اگر خانواده متوفی از وضعیت مالی خوبی برخوردار باشند، باخود نیز هدایایی می برند.

۴-۱۰- پذیرایی از شرکت کنندگان در مراسم سوگواری

صاحبان عزا از مهمانانی که برای عرض تسلیت می آیند، استقبال کرده و از آن ها دعوت می کنند تا برای صرف ناهار و شام مراسم سوم، هفتم و چهلم حضور داشته باشند که این پذیرایی توسط افراد جوان تر فامیل انجام می شود. در روز خاکسپاری از افراد باخرما، چایی، ناهار و شام و در مراسم سوم با دادن صبحانه در خانه متوفی و ناهار در مسجد یا حسینیه پذیرایی می شود. علاوه بر این در این روز شخصی در جلوی درب مسجد یا حسینیه با خرما از مهمانان پذیرایی و بر سر آن ها گلاب می ریزد. پذیرایی با خرما بدین جهت است که اگر بر اثر ناراحتی قند خون کسی پایین آمد، با خوردن خرما جبران شود (پوربصیرت، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۷). همچنین ریختن گلاب بر سر مهمانان به خاطر این است که گلاب به خاطر رایحه ای که دارد، غم زداست و بوی آن باعث می شود که ترشح ئیدروفین و اندورفین در مغز متعادل و احساس آرامش و آسودگی به انسان بدهد (<http://www.salamatnews.com>).

در روز سوم با کاسه ای که حاوی آردنخودچی، زنجبیل، شکر، هل، قهوه، کنجد، میخک که در اصطلاح محلی به قُویت^۱ معروف است، از مردم پذیرایی می شود به این خاطر که همه ای این مواد به دلیل طبع گرم شان مانع افتادن فشار خون و از حال رفتن عزاداران می شود. بیشتر در گذشته و در روز سوم در مجلس مردان از بزرگان مجلس و ریش سپیدان با قلیان و دخانیات پذیرایی می کردند (کاظمی، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۷) علت این نوع پذیرایی به همان باوری که امروزه درباره مصرف این مواد وجود دارد بر می گردد و آن این است که مصرف این مواد به سبب وجود نیکوتین (افزایش دوپامین در مغز) باعث می شود تا افراد از ناراحتی و سترس جدا شده و احساس آرامش داشته باشند (کاظمی، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۷).

همان طور که در مطالب بالا گفته شد، در روز سوم و هفته مهمانان با ناهار، در مراسم شب جمعه ها، چهلم، سال با شام و در مراسم عید گرفتن هم با ناهار پذیرایی می شوند. روی مزار خرما، نان و حلوا که هر کدام نمادی از غذای ارواح و رستخیزان به شمار می آید (کرباسیان، ۱۳۸۶)؛ به علاوه میوه، شیرینی و گلاب گذاشته و به افرادی که بر سر خاک جمع می شوند، تعارف می کنند که از آن به عنوان خیرات یاد می شود. این عمل در شب جمعه ها و سایر روز های سال نیز برای متوفی انجام می شود. در این بین افرادی از فامیل با پختن نان محلی، غذا و آش کشک و دوغ و بردن برای صاحبان عزا ابراز همدردی می کنند. از طرفی به این نکته اعتقاد دارند که سنت پیامبر (ص) فرستادن غذا برای مصیبت زدگان است (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۱۸۲). همچنین امام صادق (ع) می فرماید: «غذا خوردن نزد مصیبت دیدگان از رفتار و کردار زمان جاهلیت است و سنت اسلامی آن است که غذای آنان از سوی دیگران فراهم شود، همان گونه که پیامبر خدا (ص) در مورد جعفر بن ابی طالب (ع) چنین رفتاری را در پیش گرفت» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۳۷).

۴-۱۱- لوازم و تشریفات مجلس ترحیم

یکی از تشریفات ختم در این منطقه استفاده از قاب عکس است که برای مزار و مجلس ترحیم چاپ می کنند. این قاب عکسها اصولا با یک نوار مشکی تزئین و در وسط دسته گل یا تاج گل قرار می گیرد. یکی دیگر از وسایل و لوازم این مجلس قالی یا پتویی است که هنگام مراسم بر روی مزار متوفی پهن می کنند. از دیگر وسایل برای چیده شدن روی مزار گلاب پاش، رحل قرآن، شمع که به تعداد فرد باید باشد، سجاده، جا نماز و مهر است (پوربصیرت، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۶). قرآن هایی که در مجالس ترحیم برای قرائت استفاده می شود هر کدام به صورت حزب هایی جدا گانه در جعبه فلزی یا چوبی که از قبل توسط خانواده های اشخاص متوفی دیگر وقف مساجد شده است، قرار دارند و با برپایی مجلس این قرآن ها امانت گرفته و باز پس گردانده می شود.

۴-۱۲- بیرون آوردن از عزا

در گذشته پس از فوت شخص خانواده متوفی برای نشان دادن اوج غم و اندوه و ناراحتی تا یک هفته استحمام نمی کردند که بعد از گذشت مراسم هفته بزرگتر های فامیل با بقچه ی حمام شامل شامپو، کیسه، صابون و... به خانه صاحبان عزا می رفتند و یکی یکی آن ها را به حمام عمومی می بردند. هم اکنون صاحبان عزا و اعضای فامیل تا چهلم سر و صورت خود را اصلاح نمی کنند

۱. شبیه به قاووت، سوغات کرمان

و بعد از چهلم خانواده متوفی از همه افراد فامیل درخواست می کنند که هر کسی کار خیری دارد، انجام دهد، هرچستی که به دلیل فوت فرد عقب افتاده است را برپا کنند و پیراهن سیاه خود را تعویض نمایند؛ اما خود خانواده متوفی تا یک سال در هیچ مراسم شادی و سروری شرکت نمی کنند. در شب چهلم افراد برای اینکه پیراهن عزای افراد رابیرون آورند، برای آقایان پیراهن و برای زنان روسری و پاپیراهن های رنگی می گیرند و هنگام تمام شدن مجلس از بزرگترین مجلس گرفته تا کوچکترین ها پیراهن های مشکی را از تن در می آورند و سایر کارهای روزمره شان را انجام می دهند.

۵- سوگ سروده ها

برای برپایی مراسم ختم از مداح ویاسخترانی دعوت به عمل می آید که در این مجالس باخواندن روضه، قرائت قرآن و سوگ سروده هایی مراسم را صفا می بخشند؛ که از روضه اهل بیت شروع و به سوگ فرد درگذشته می رسند. خانواده متوفی نیز آواهایی می خوانند که برخی هایشان عبارتند از:

۵-۱- در وصف پدر

بابا قربون دستای پینه بستت بابا
بابا منو دست کی دادی و رفتی بابا
بابا کاش تو مردا گمت نکرده باشم بابا
بابا کاش نگن تو بابا نداری بابا

۵-۲- در وصف مادر

ننه قربون چادر نمازت ننه
ننه کاش چادر نمازت جا نمونده باشه ننه

۵-۳- در وصف برادر

ای کاکا! زحمت کشم ای کاکا
ای کاکا نخوابیده و ننالیده ام کاکا
ای کاکا درخونت بسته شد ای کاکا
ای کاکا رو نأمیدکردی کاکا

۵-۴- در وصف خواهر

ای دده^۲ کیونیم^۳ دده
ای دده زحمت کشم ای دده
کاش درخونت بسته نشه دده

نتیجه گیری

در منطقه نافج، آیین های مربوط با عزاداری از روز به خاک سپردن متوفی آغاز و تا یک سال ادامه می باید که ضمن توضیح در متن مقاله، در ادامه برخی نتایج حاصل از این نوشتار به اختصار عنوان می شود. افراد بومی منطقه نافج بر این باورند که برپایی هر یک از مراسم عزاداری از طرفی هم به دلیل تخلیه ناراحتی و غم و اندوه است و از طرفی دیگر بزرگداشت فرد متوفی به نشانه علاقه و احترام به آن فرد و به نوعی فرآیندی بومی - اجتماعی بوده و باعث همدردی افراد دیگر با شخص یا اشخاص مصیبت زده می شود. اعتقادات مذهبی و باورهای اجدادی در برپایی مجالس ترحیم در منطقه نافج نقش اساسی را ایفا می کند و هدف از قرائت فاتحه، خواندن قرآن، نماز و دعای دسته جمعی علاوه بر اینکه باعث شادی روح فرد متوفی می شود، نوعی هراس و بیم در دل انسان ایجاد می کند که زندگی آن تحت تأثیر آن بیم قرار گرفته و سبب می شود که فرد تصمیم به ایجاد تغییراتی مثبت در زندگی خود گیرد. از دیگر نتایج حاصل از متن فوق این است که: اولین مراسم پس از دفن میت، برپایی مراسم قرائت قرآن در خانه صاحبان عزاست. مهم ترین مجالس بزرگداشت در سومین روز و در هفتمین روز با تجمع بر سر مزار متوفی برپا می گردد. در این منطقه در مجلس سوم از ریش سپیدان باقلیان دادن به منظور ایجاد آرامش و آسودگی پذیرایی می شد. پذیرایی با خرما که مظهر رستخیز و هم چنین میوه ای نیروبخش است، انجام می شود.

هدف از انجام خیرات لباس های متوفی به دیگران و هم چنین سایر خوراکی ها در مراسم سوگواری این است که روح متوفی پس از مرگ برای تهیه پوشاک و خوراک خود چشم انتظار بخشش خویشان است.

۲. برادر

۳. خواهر

۴. زن کدبانویی که همیشه زندگی اش تمیز و مرتب است.

بعد از هفته پنجم شنبه های دو هفته بعد نیز برای متوفی شب جمعه گرفته و خیرات می دهند. شب جمعه چهارم را به خاطر کم شدن مهر و علاقه خانواده متوفی نسبت به وی برپا نمی کنند. بعد از برگزاری مراسم چهلم پیراهن مشکی صاحبان عزا را تعویض و در اصطلاح بومی آن‌ها را از عزا در می آورند. خوراکی هایی که بر سر مزار متوفی می گذارند نمادی از غذای ارواح هست و در واقع هدایایی است که بازماندگان برای متوفی می فرستند. علت وجود گلاب در مراسم عزا به خاطر این است که رایحه آن غم زدا و مایه آرامش می شود.

آداب و سنت‌هایی که در طی این یک سال برای شخص متوفی برگزار می گردد نشان دهنده ی اهمیت شخص برای خانواده و همدردی و همراهی افراد با صاحبان عزاست. افراد با انجام این فعالیت اجتماعی برای اموات، احترام و علاقه خود را به فرد متوفی نشان می دهند و با خواندن فاتحه سبب شادی روح شخص درگذشته می شوند. فردی که عزیزی را از دست می دهد نیز، نیاز به تخلیه هیجان و غم و اندوه خود دارد، چنانچه تخلیه هیجان را که همان شیون و سوگ است انجام ندهد، تخلیه روحی نشده و این می تواند در آینده منشأ مشکلات روحی شود.

منابع

۱. ابوالمعالی الحسینی، نسرین و سوبیل ماکویی (۱۳۸۹). «آداب و سنت‌های مجالس ترحیم در فرهنگ مردم». فصلنامه فرهنگ مردم ایران. ش ۲۲ و ۲۳.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۷)، «من لا یحضره الفقیه»، ترجمه غفاری، علی اکبر، غفاری، محمد جواد و بلاغی، صدرالدین. تهران: نشر صدوق.
۳. بلوکاشی، علی (۱۳۴۴)، «آیین به خاک سپردن مرده و سوگواری آن»، پیام نوین. ش ۹.
۴. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹)، «وسائل الشیعه»، قم: مؤسسه آل البیت، تابناک
۵. فکوهی، ناصر (۱۳۸۵). «پاره‌های انسان‌شناسی»، مجموعه‌ی مقاله‌های کوتاه، نقدها و گفتگوهای انسان‌شناختی. تهران: نشر نی.
۶. قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۵)، «گفت و گفت»، شهرکرد: انتشارات مرید.
۷. کتیرایی، محمود (۱۳۴۸)، از خشت تا خشت. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. کرباسیان، ملیحه (۱۳۸۶).
۸. در خرابات مغان (بی تا)، «جستار هایی در فرهنگ ایرانی». تهران: انتشارات اطلاعات.
۹. مددی، حسین (۱۳۸۶)، «نماد در فرهنگ بختیاری»، اهواز: مه‌زیار
۱۰. منادی، مرتضی (۱۳۸۶)، «مردم‌نگاری»، فصلنامه‌ی حوزه و دانشگاه، سال سیزدهم، شماره ۵۱
۱۱. میرنیا، سید علی (۱۳۶۹)، «فرهنگ مردم»، فولکور ایران. تهران: نشر پارسا
۱۲. ماسه، هانری (۱۳۵۵)، «معتقدات و آداب ایرانی»، مترجم: مهدی روشن - ضمیر. تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران. مظاهری، علی (۱۳۷۸)، «زندگی مسلمانان در قرون وسطا»، مترجم: مرتضی راوندی. تهران: صدای معاصر
۱۳. هاشمی، سید علیرضا (۱۳۹۳)، «آداب مجالس ترحیم در فرهنگ مردم»، فرهنگ مردم ایران. ش ۳۷
۱۴. هیوم، دیوید و دیگران (۱۳۸۳)، «مرگ و جاودانگی»، مترجم: سید محسن رضازاده. تهران: دفتر پژوهش و نشر سپهروردی
۱۵. ترمس العاملی، رحیمیان، کلینی. امین، محمد حسین، محمد بن یعقوب (۱۳۹۴)، «اصول کافی»، مترجم: گروه مترجمان انتشارات قدس. قم: انتشارات قدس

16. O'Reilly, K. (2005). "Ethnographic Methods". London: Routledge .
17. Murchison, Julian M (2010). "Ethnography essentials. designing, conducting, and presenting your research", Printed in the United States of America
18. www.Anthropology.ir
19. http://www.axonclinic.com
20. http://www.salamatnews.com

گفتگوهای حضوری

۱. کاظمی، علی حسین (۱۳۹۷). گفتگوی حضوری. شغل: کشاورز، ۵ فروردین ۹۷، ساعت ۱۸:۳۰.
۲. پوربصیرت، تهمینه (۱۳۹۷). گفتگوی حضوری. شغل: کتابدار کتابخانه امام علی نافع، ۳ اردیبهشت ۹۷، ساعت ۱۳.
۳. بخشی، خاتون (۱۳۹۷). گفتگوی حضوری. شغل: خانه دار، ۱۵ اردیبهشت ۹۷، ساعت ۹.



سال پنجم، شماره ۴ (پیاپی: ۳۷)، مرداد ۱۳۹۹

پژوهش‌های علمی و فلسفی

دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی